

□ آموزش پیشگیری از حیوان‌گزیدگی و هاری به زبان ساده (به اهتمام دکتر مریم فاضلی)



بیماری‌های قابل انتقال از انسان به حیوان (مشترک)؟

□ برخی بیماری‌ها:



۱. مخصوص یک گونه حیوانی      عدم ابتلا به هیچ **حیی** یا پرنده دیگر
۲. حیوانات مختلف را مبتلا می‌کند      انتقال بیماری از **یک** گروه به گروه دیگر حیوانات (انتقال بیماری هاری از گرگ به گاو)
۳. امکان انتقال از حیوان به انسان      ایجاد بیماری در **انسان** (انتقال بیماری هاری از سگ هار به انسان)

□ هاری چیست؟



۱. تاریخچه این بیماری به ۳ تا ۴ هزار سال پیش برمی‌گردد. بوعلی سینا دانشمند نامدار ایرانی بیماری را با عنوان ترس از آب معرفی کرده است.
۲. هاری یک بیماری ویروسی **کشنده** است که مخصوص گوشتخواران اهلی و وحشی می‌باشد؛

۲. انسان و سایر حیوانات خونگرم پستاندار به طور تصادفی و غالباً از طریق گزش به آن مبتلا می شوند.

### اهمیت بیماری



۱. میزان کشندگی بالا ( صددرد) به طوری که پس از ظهور علائم بیماری چه در انسان و چه در حیوان درمان پذیر نبوده و بیمار محکوم به مرگ می باشد.

۲. افزایش روند موارد حیوان گزیدگی انسانی به ویژه در ایران که به ناچار سالانه مبالغ زیادی صرف خرید سرم و واکسن ضد هاری جهت درمان و پیشگیری می گردد.

۳. تلفات و خسارات اقتصادی زیاد

۴. و ...

### به طور کلی کشورهای مختلف از نظر آلودگی به سه دسته تقسیم می شوند :

۱. کشورهایی که هاری شهری و وحشی در آنها به صورت بومی (اندمیک) وجود دارد. به ترتیب همه کشورهای آسیایی، آفریقایی و کشورهای آمریکای لاتین جزء این دسته هستند.

۲. کشورهایی که در آنها هاری شهری کنترل شده ولی هاری وحشی همه گیر است. مانند کشورهای اروپای غربی، کانادا و ایالات متحده آمریکا. ایمن سازی روباه ها در آلمان فدرال با توزیع بیش از ده میلیون طعمه حاوی واکسن ضد هاری خوراکی باعث کاهش و یا حتی کنترل بیماری در قسمت هایی از آلمان گردیده است. مانند همین اقدام ها در کشور فرانسه نیز منجر به کنترل بیماری شده است.

۳. کشورهایی که از نظر بیماری هاری پاک هستند ( هر کشوری که ۲ سال بیماری هاری را گزارش ندهد به عنوان کشوری پاک از این بیماری محسوب می شود). عبارتند از: استرالیا، نیوزلند، نیوگینه، ژاپن، هاوایی، تاییوان، اقیانوسیه، ایرلند، ایسلند، قسمت های مرکزی نروژ، سوئد، فنلاند، پرتغال، یونان و بعضی از جزایر ویستا ایندیز و جزایر آتلانتیک، انگلستان، سوئیس.

### عامل بیماری



۱. ویروسی است نروتروپ یعنی تمایل به سیستم عصبی دارد و وقتی به سیستم عصبی مرکزی حمله نماید تقریباً همیشه موجب مرگ میزبان می گردد.

۲. ویروس هاری در حرارت ۵۰ درجه سانتی گراد در مدت ۱۵ دقیقه و در حرارت ۶۰ درجه در مدت ۳۵ ثانیه و در حرارت ۱۰۰ درجه سانتی گراد در مدت چند ثانیه از بین می رود.

۳. بنابراین برای ضدعفونی وسایل آلوده کافی است چند دقیقه آنها را بجوشانید و یا از فنل و الکل استفاده نمایید.

### مخازن بیماری



کلیه حیوانات خونگرم پستاندار چه وحشی و چه اهلی اعم از گوشتخوار - علفخوار - جوندگان و از پرندگان (خفاشها) به این بیماری حساس می باشند.

### راههای سرایت بیماری

۱. اصلی ترین راه سرایت بیماری از طریق گاز گرفتن به وسیله حیوانات می باشد. در مورد گربه و گربه سانان از طریق پنجه کشیدن انتقال بیماری صورت می گیرد، زیرا گربه دائماً مشغول لیسیدن پنجه هایش می باشد و پنجه ها آلوده به بزاق می شوند و در موقع پنجه کشیدن می توانند ویروس را از طریق خراش به انسان منتقل نمایند.



۲. راه پوست: بیماری هاری از راه پوست سالم قابل سرایت نیست، ولی اگر کوچکترین خراش یا زخمی در پوست وجود داشته باشد قابل سرایت می باشد.

۳. راه مخاطها: سگها و گربه های به ظاهر سالم که در اواخر دوره نهفتگی بیماری هاری هستند می توانند ویروس را از طریق لیسیدن مخاط لب - چشم

و بینی به صاحبان خود منتقل نمایند.

۴. انتقال از راه دستگاه گوارش: انتقال بیماری از این طریق بعید به نظر می رسد، ولی باید از خوردن گوشت و سایر فرآورده دامهای مبتلا به هاری خودداری نمود.

## علایم بیماری در حیوان



دوره کمون یا نهفتگی در سگ و گربه ۲ تا ۳ هفته و گاهی چند ماه است. مهم‌ترین علایم تغییر در رفتار و عادات حیوان می‌باشد، به گونه‌ای که حیوان بیش از اندازه به صاحب خود انس می‌گیرد و به گوشه‌ای پناه می‌برد و بالاخره در اثر فلج اندامی و دستگاه تنفسی تلف می‌شود و یا در بیشتر مواقع حیوان مضطرب و کم‌کم به صورت وحشی و درنده درآمده و به هر کس و هر حیوان که سر راه او باشد حمله می‌کند، کف از دهانش سرازیر شده و به علت عدم امکان بلع بر اثر گرسنگی - تشنگی و سرانجام بر اثر فلج دستگاه تنفسی می‌میرد.

## علایم بیماری در انسان



دوره نهفتگی در انسان معمولاً بین ۲ تا ۸ هفته و گاهی کمتر از ۵ روز و به طور نادر تا یکسال و بیشتر نیز دیده می‌شود.

## علایم بیماری هاری در انسان

این بیماری شامل چند مرحله است.



• در دوره مقدماتی بیماری که ۲ تا ۳ روز قبل از ظهور علایم اصلی است افسردگی، بی‌قراری، خستگی، بی‌اشتهایی، تف اندازی، سوزش و خارش و گاهی درد در محل گزش دیده می‌شود؛

• پس از این دوره انسان نسبت به تمام محرکهای فیزیکی، شیمیایی، حسی و بویایی واکنش نشان می‌دهد. کوچکترین صدا یا نور او را به شدت متشنج می‌کند و خود را به در و دیوار می‌زند؛ اطراف دهان او را کف می‌پوشاند و بیمار عطش فراوان دارد، ولی به علت انقباض عضلات گلو قادر

به نوشیدن آب نمی‌باشد و با دیدن یا شنیدن صدای آب به شدت تحریک می‌شود و همچنین عبور هوا نیز از روی صورت باعث تحریک بیمار می‌شود؛



• پس از آن بیمار بر اثر انقباضات شدید عضله قلب و فلج دستگاه تنفسی فوت می نماید.

### اقدامات لازم جهت فرد حیوان گزیده



#### ۱. خارج ساختن و تمیز نمودن ویروس هاری از محل زخم:

تا حد مقدور در ساعات اولیه پس از گزش باید لابلای زخم را حداقل به مدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه با آب تمیز و صابون عمیقاً مورد شستشو قرار داد. این عمل مهم‌ترین قسمت پیشگیری از هاری به حساب می آید.

#### ۲. خارج کردن صابون از لابلای زخم:

با استفاده از شیلنگ و فشار آب باید کف صابون‌های باقیمانده را از لابلای زخم خارج نمود، زیرا باقیمانده صابون می تواند مواد ضد عفونی کننده را بی اثر نماید.

#### ۳. ضد عفونی نمودن زخم:

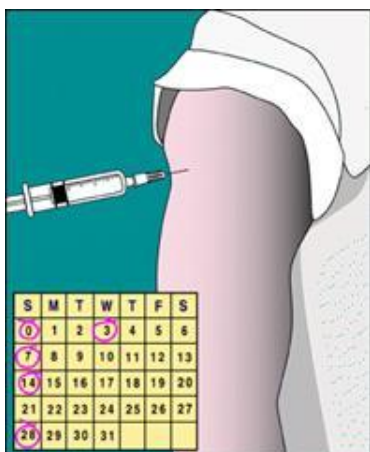
زخم را بعد از شستشو باید با الکل ۶۰ تا ۷۰ درجه یا محلول بتادین یک درصد و یا سایر مواد ضد عفونی نمود (زخم را هیچ وقت نباید پانسمان نمود زیرا میکروب هاری بی هوازی است و بر اثر پانسمان رشد آن سریع خواهد شد).

#### ۴. ارجاع فرد به مراکز بهداشتی درمانی جهت تلقیح واکسن و سرم و پیگیری جهت تکمیل نوبتهای واکسن:

این مسأله باید با پیگیری، آموزش و حساسیت کامل دنبال گردد. ضمناً وضعیت واکسیناسیون توأم یا ثلاث فرد مجروح باید مورد بررسی قرار می گیرد.



## ❏ واکسن هاری



❖ واکسن هاری از کشت سلولی تهیه می شود و آن را می بایست در ۳ نوبت (۴ تزریق) در روز صفر (دو تزریق)، روز ۷ (یک تزریق) و روز ۲۱ (یک تزریق) و یا ۵ نوبت شامل یک تزریق در هر یک از روزهای: صفر - ۳ - ۷ - ۱۴ - ۲۸ به صورت عضلانی و در عضله دلتوئید تلقیح نمود.

❖ در اطفال کمتر از ۲ سال واکسن در ناحیه فوقانی و جانبی ران تزریق می شود.

❖ هرگز نبایستی واکسن را در عضله سرین تلقیح کرد.

❖ اگر فردی مورد گزش سگ قرار گیرد و سگ در دسترس باشد باید آن را به مدت

۱۰ روز بسته و تحت مراقبت قرار داد و در این مدت اگر علی رغم تأمین آب و غذای کافی حیوان دچار علائم بالینی شد و یا تلف شد، به احتمال زیاد حیوان هار بوده و بایستی واکسیناسیون هاری تا نوبت آخر ادامه پیدا کند، ولی اگر بعد از ۱۰ روز حیوان سالم ماند نتیجه می گیریم سگ هار نیست و از ادامه واکسیناسیون یعنی نوبتهای بعد از روز دهم خودداری می نمایم.

**تذکر:** اگر فردی با ۴۸ ساعت یا بیشتر تأخیر مراجعه نماید و واکسیناسیون ۵ نوبتی انتخاب شده دوز اولیه واکسن به دو برابر تزریق می شود.

## ❏ سرم ضد هاری

سرم ضد هاری که در حال حاضر مورد استفاده قرار می گیرد از پلاسمای انسانی تهیه شده و هیچ نوع مخاطره ای ندارد و احتیاج به تست نیز ندارد.



مقدر آن ۲۰ واحد به ازای هر کیلوگرم وزن می باشد و تا آنجا که ممکن است اطراف زخم تزریق می شود و بقیه آن در عضله تزریق می گردد.

در چه مواردی علاوه بر واکسن سرم نیز مورد نیاز می باشد:

۱. گزیدگی و خراشیدگی منفرد و یا متعدد عمیق پوستی،

۲. لیسیدن پوست آسیب دیده، آلوده شدن غشاهای مخاطی با بزاق حیوان مشکوک،

۳. هر نوع مواجهه با خفاش شامل ورود به غار دارای خفاش و یا گزش یا خراشیدگی با خفاش و ...



**تذکر مهم:** کلیه موارد حیوان گزیدگی چه اهلی و چه وحشی را باید هار تلقی نمود و بیمار را باید فوراً تحت اقدامات پیشگیری قرار داد؛ این موضوع به قدری اهمیت دارد که اگر حیوان گزنده مثل سگ دارای قلاده و واکسیناسیون کامل نیز باشد، می بایست اقدامات پیشگیری و درمان را برای فرد سریعاً انجام داد یعنی داشتن سابقه واکسیناسیون حیوان مانعی برای انجام « سرو واکسیناسیون » فرد نیست.

☐ کسانی باید واکسیناسیون قبل از مواجهه را دریافت نمایند

گروه‌های پرخطر یا دامپزشکان، تکنیسین‌ها و کاردان‌های دامپزشکی، کارکنان و بازرسان گوشت در کشتارگاه‌ها، شکارچیان، شکاربانان حفاظت محیط زیست و پرسنل مسئول هاری در مراکز بهداشت و کارکنان آزمایشگاه‌هایی که با ویروس هاری سر و کار دارند، افرادی که قصد مسافرت به مناطق پرخطر را دارند و دانشجویان رده‌های مختلف دامپزشکی



☐ نحوه تزریق

سه تزریق عضلانی واکسن در روزهای صفر - ۷ - ۲۱ یا ۲۸

☐ برای کنترل هاری چه کمکی میتوانم بکنم؟

- حیوانات خانگی را نزد دامپزشکان برده تا واکسن‌های مناسب را بر حسب منطقه ای که در آن هستید تزریق کند.
- از در معرض تماس قرار گرفتن حیوان خانگی با سایر حیوانات جلوگیری کنید. گربه و سگ‌هایتان را درون منزل نگهدارید و بر سگ‌هایتان هنگامی که خارج از منزل هستند نظارت داشته باشید. حیوانات خانگی خود را عقیم کنید تا از تولد نوزاد ناخواسته آن‌ها جلوگیری کنید.

- غذای حیوان خود را بیرون از منزل قرار ندهید.  
این کار باعث جذب حیوانات وحشی و ولگرد میشود.

- حیوانات وحشی نباید به عنوان حیوان خانگی نگهداری شوند. این کار نه تنها غیرقانونی است بلکه این حیوانات پتانسل مبتلا کردن صاحبان خود و سایرین را به هاری دارند.

- حیوانات وحشی را از فاصله دور مشاهده کنید.  
حیوان وحشی هار ممکن است رام به نظر آید ولی هرگز به آن نزدیک نشوید. **به کودک خود**



**بیاموزید که "هرگز" به حیوانات ناآشنا نزدیک نشود، حتی در مواردی که حیوان آرام به نظر میرسد.**

- در صورتی که احساس می کنید یک حیوان غیرمعمول به نظر می رسد آن را به ادارت دامپزشکی اطلاع دهید.
- اگر در مناطقی هستید که خفاش زیاد است، منزل خود را عایق بندی کنید تا از ورود خفاش به خانه جلوگیری شود.



اگر مورد حمله سگ قرار گرفتیم چه کنیم؟

۱. حمله را دفع کنید:





۱. وحشت نکنید. شاید شنیده باشید برخی قدیمی‌ها می‌گویند سگ‌ها و حیوانات دیگر می‌توانند ترس حیوان دیگر را حس کنند. اگر وحشت کنید و بدوید یا جیغ بکشید در سگ این اعتماد به نفس را ایجاد می‌کنید که می‌تواند حمله کند یا حتی بدتر از آن ممکن است تصور کند او را تهدید می‌کنید. هر دو حالت وضعیت خوبی نیستند بنابراین بهتر است از این کار اجتناب کنید.

۲. خود را مانند درخت بی‌هیجان و سخت نشان دهید. وقتی سگ به شما می‌رسد، طوری بایستید که دستانتان در پهلویتان قرار بگیرد مانند درخت. دستان خود را به اطراف تکان ندهید یا با پایتان ضربه نزنید. ممکن است سگ این رفتارها را به‌عنوان تهدید در نظر بگیرد. تماس چشمی با سگ برقرار نکنید چون این ممکن است موجب خیز برداشتن سگ شود (تماس چشمی برای سگ به معنی آماده برای حمله است). در بسیاری موارد سگ با این کار علاقه خود را از دست داده و از شما دور می‌شود.

• هرگز ندوید. دویدن باعث می‌شود غریزه دویدن به دنبال شکار و گرفتن طعمه در سگ بیدار شود. ممکن است سگ به‌شدت شما را تعقیب کند حتی اگر قصد او لیه‌اش تنها بازی بوده است. به‌علاوه نمی‌توانید از سگ سریع‌تر بدوید. حتی اگر با دوچرخه باشید بیشتر سگ‌ها می‌توانند شما را بگیرند.

• در کنار سگ بایستید و او را در وسعت دید پیرامونی خود قرار دهید نه اینکه روبروی او بایستید و به او مستقیماً نگاه کنید. این کار به سگ اعلام می‌کند که شما تهدیدی برای او نیستید.

• دستان خود را باز نکنید چون امکان گاز گرفته شدن را بیشتر می‌کنید. انگشتانان را جمع کرده و مشت کنید تا سگ

ممکن است کاملاً نزدیک

به شما بمالد بدون اینکه

آن‌ها را نگیرد. سگ

شود و حتی پوزه‌اش را

شما را واقعاً گاز بگیرد.



۳. چیزی به سگ بدهید که آن را گاز بگیرد. اگر سگ به تهدید شما ادامه داد، به او چیزی بدهید که آن را بگیرد مثل کوله‌پشتی

یا بطری آب. هر چیزی به جز دست و پای خود! ممکن است با این روش

حواس او پرت شده و شما فرصت فرار پیدا کنید.



• یک ایده خوب دیگر این است که هنگامی که به نواحی می‌روید که

ممکن است در آن سگ وجود داشته باشد، اسباب‌بازی یا خوراکی با

خود ببرید. اگر با سگ عصبانی مواجه شدید خوراکی یا اسباب‌بازی را

دور از خود پرت کنید. سگ ممکن است به دنبال آن برود و شما را رها

کند.

۴. به سگ دستور بدهید برگردد. اگر سگ به رفتار تهاجمی خود ادامه

داد و بی‌توجهی یا آرام کردن او دیگر تأثیری نداشت، مقابل او ایستاده

و به او محکم دستور بدهید برود. برای این کار از صدای محکم و قوی استفاده کنید. حتی در این شرایط هم باید از تماس

چشمی با سگ خودداری کنید. سگ ممکن است ناامید شده یا بترسد و شما را رها کند.



۱.۵ اگر سگ خیز برداشت،

می‌تواند مرگبار باشد. اگر

مبارزه کنید. حمله سگ

سگ شروع به گاز گرفتن

شما کرد، باید از خود دفاع کنید. به گلو، بینی و پشت سر سگ ضربه یا لگد بزنید تا سگ گیج شده و به شما فرصت دهد فرار کنید.

• در این شرایط می‌توانید صدای خود را بالا ببرید. در هنگام مبارزه با سگ فریاد کمک بزنید تا شاید دیگران صدای شما را شنیده و به کمکتان بیایند.

• اگر چوب یا سلاح دیگری دارید می‌توانید (باید) از آن برای ضربه زدن به سگ استفاده کنید اما به سر او نزنید چون بیشتر سگ‌ها جمجمه خیلی ضخیم و محکمی دارند بنابراین ضربه به سر سگ فقط او را عصبانی‌تر می‌کند .



۶. از وزن خود بهره ببرید. تمام وزن بدن را به حیوان وارد کنید به خصوص با نواحی سخت بدن مانند زانو یا آرنج خود به او حمله کنید. سگ‌ها گاز گیرنده ماهری هستند اما نمی‌توانید گلاویز شوند و کشتی بگیرند بنابراین می‌توانید از این ویژگی استفاده کرده و در موقعیت برتر قرار بگیرید و استخوان‌های او را نسبتاً سریع بشکنید. سعی کنید روی حیوان قرار بگیرید و نیروی خود را بر نواحی مانند گلو یا دنده‌ها متمرکز کنید و حواستان باشد صورت خود را دور از محدوده گاز گرفتن سگ نگاه‌دارید.

اگر به دنبال راه‌حل انسانی‌تری هستید و در شرایطی هستید که می‌توانید، در پشت سگ قرار گرفته و از وزن خود استفاده کنید و سگ را از پشت گردن به جلو فشار دهید تا بی‌حرکت شود تا زمانی که کمک فرا برسد.



اگر به زمین افتادید، از صورت، سینه و گوی خود محافظت کنید. اگر روی زمین افتاده‌اید، نه تنها مبارزه با سگ عصبانی مشکل‌تر است بلکه نواحی حساس بدنمان مانند سر، بالاتنه و گردن نیز در مقابل حمله او آسیب‌پذیرتر می‌شود. این نواحی مهم‌ترین نقاط بدن هستند چون گاز گرفتن این نواحی صدمات سختی به شما وارد کرده و احتمال مرگ را بسیار افزایش می‌دهد. با چرخیدن به شکم و بغل گرفتن زانوها در شکم و قرار دادن دست‌ها در طرفین سر (به حالت مشت) از اندام‌های حیاتی خود محافظت نمایید.

• در مقابل جیغ زدن و غلتیدن برای دور شدن مقاومت کنید چون این کارها ممکن است سگ را بیشتر تشویق کند.

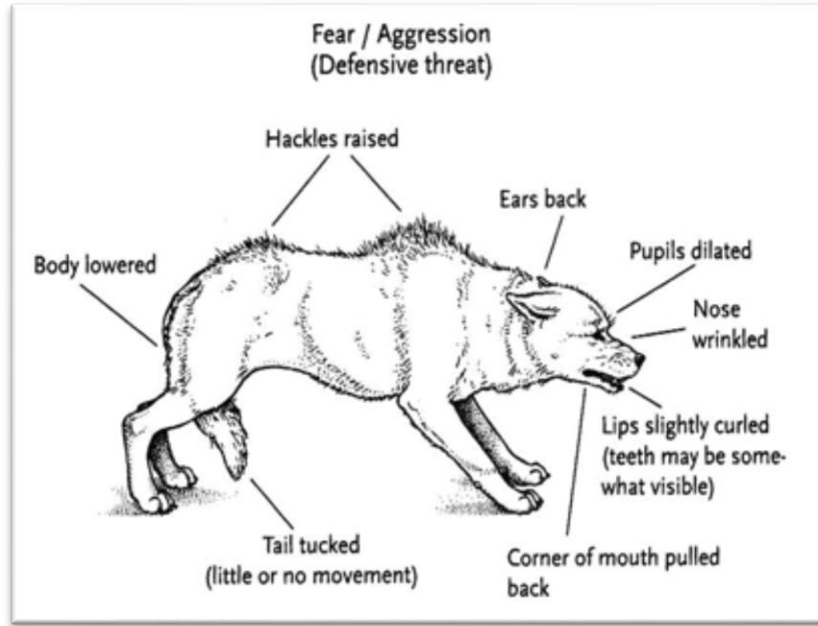


۸. همین‌که سگ علاقه‌اش به شما را از دست داد به آهستگی به عقب برگردید و محل را ترک کنید. حفظ آرامش و بی‌حرکت ماندن در چنین شرایطی واقعاً به کنترل اعصاب نیاز دارد اما تا زمانی که سگ واقعاً شما را گاز نگرفته است بهترین کار همین است.

### 📌 اقدامات احتیاطی پیشگیرانه برای حمله سگ

۱. مراقب علائم هشداردهنده باشید. بیشتر سگ‌ها تهاجمی نیستند اما ممکن است به خاطر قلمروی خود در حالت دفاعی و یا کنج‌گاو باشند. بنابراین برای اینکه از درگیری غیرضروری با سگ‌ها اجتناب کنید باید بتوانید بفهمید سگ فقط می‌خواهد بازی کند یا واقعاً در حالت تهاجمی قرار گرفته است. اگرچه برخی نژادها تهاجمی‌تر هستند اما هر سگ با اندازه بزرگ و متوسط می‌تواند خطرناک باشد بنابراین چون فکر می‌کنید این نژاد سگ بی‌خطر یا دارای برخورد دوستانه است علائم هشداردهنده را نادیده نگیرید. علائم هشداردهنده متداول سگ‌ها به صورت زیر است:





• غریدن، خرخر کردن و نشان دادن دندان‌ها نشانه‌های آشکار تهاجمی بودن سگ است و باید متناسب با آن رفتار کنید.

• سگ عصبانی ممکن است سفیدی چشمانش را نشان دهد به‌خصوص اگر در حالت عادی دیده نمی‌شود.



• وقتی نوک گوش‌ها به عقب کشیده می‌شود و در امتداد سر قرار می‌گیرد نشانه روش تهاجم است در صورتی که گوش‌های شل و آویزان یا ایستاده معمولاً نشانه بی‌تفاوتی است.

• اگر سگ نزد شما بیاید در حالی که بدنش ریلکس است و بخش میانی بدنش انحناى شیب‌دار دارد، احتمالاً نمی‌خواهد حمله کند. سگی که بدنش سفت، صاف و کشیده است (سر، شانه‌ها و ران‌ها در یک ردیف قرار گرفته‌اند) در حالت تهاجم قرار دارد.

• راه رفتن یورتمه‌ای به این معنی است که سگ می‌خواهد بازی کند و شما را بررسی کند. وقتی سگ با سرعت به سمت شما می‌دود ممکن است خطرناک باشد.

۲. هرگز سگ را خشمگین نکنید. بیشتر حمله‌های سگ‌ها به علت عدم بستن یا محدود کردن کافی سگ، تعلیم نامناسب، یا اذیت کردن آن‌ها اتفاق می‌افتد. متأسفانه بسیاری از مواقع صاحبان سگ سهل‌انگاری می‌کنند بنابراین منطقی است که آمادگی داشته باشید. عقل سلیم به شما می‌گوید هیچ حیوانی را خشمگین نسازید.

• هرگز سگی را که در حال خوردن است یا توله به همراه دارد، تحریک نکنید. سگ‌ها در این شرایط بسیار حساس شده و از خود محافظت می‌کنند.

• از خندیدن به سگ خودداری کنید. ممکن است چهره دوستانه به او نشان دهید اما یک سگ مهاجم فکر می‌کند دارید دندان‌هایتان را برای مبارزه به او نشان می‌دهید.

• سگ‌هایی که مدت زیادی به چیزی بسته شده‌اند یا زنجیر دارند بیشتر احتمال دارد که تهاجمی رفتار کنند بنابراین به آن‌ها نزدیک نشوید.

۳. فرض بگیرید همه سگ‌های ناشناس خطرناک هستند تا زمانی که خلاف آن ثابت شود. به‌طور کلی بهترین سیاست در مورد سگ‌ها این است که هر کاری می‌توانید انجام دهید تا از ابتدا از حمله سگ به خود اجتناب نمایید. اگر سگی می‌بینید که ممکن است خطرناک باشد، از او دور بمانید. با مشاهده هرگونه سگی در نزدیکی محل سکونت خود که به نظر خطرناک یا ولگرد می‌رسد، به مسئولین موضوع را گزارش دهید. به کودکان بیاموزید که هرگز به سگ‌های ناآشنا نزدیک نشوند مگر اینکه مطمئن شوند بی‌خطر است. فاصله زیادی با همه سگ‌های ناشناس بگیرید تا شواهدی به دست بیاورید که سگ بی‌خطر است.

#### توصیه‌ها

• اگر کودک خردسالی در کنار خود دارید به‌ویژه اگر در مسیرتان سگ بزرگی قرار دارد، باید کودک را در آغوش خود نگه‌دارید. وقتی می‌خواهید کودک را بلند کنید، به آرامی حرکت کنید، به چشمان سگ نگاه نکنید به‌ویژه وقتی خیز برداشته است. به کودک بگویید ساکت باشد و آرام بماند و به شما نگاه کند. سپس با استفاده از دستورالعمل‌هایی



که بیشتر اشاره شد، از پس این وضعیت برآید.

• به کودکان یاد دهید هرزمانی که با یک سگ خشمگین مواجه شدند، یادشان باشد هرگز از سگ فرار نکنند و جلوی او ندرند بلکه همانند یک درخت باشند.

۱۰ اگر سوار بر دوچرخه هستید، از دوچرخه پیاده شده و آن را بین خود و سگ حائل کنید. به این ترتیب مانعی برای محافظت از خود ایجاد می‌کنید. اگر سگ تنها پارس نکرده و به شما حمله‌ور شد از دوچرخه به عنوان سلاحی برای حمله به سگ استفاده کنید. دوچرخه را از تنه نگه‌دارید و از کربی (فرمان) و زین بگیرید و تایلر دوچرخه را بچرخانید و به سگ ضربه بزنید. سعی کنید دوچرخه را رها نکنید، اگر چنین شود ابزار دفاعی باارزشی را از دست داده‌اید.

۱۰ در صورتی که مجوز استفاده از اسپری فلفل را قبلاً کسب کرده باشید (برای افرادی که به واسطه شرایط خاص خود در خطر همیشگی قرار دارند)، می‌توانید از آن استفاده کنید. اسپری را در صورت سگ بپاشید اما در مواردی که موفق نشدید به صورت او بپاشید، همین‌که نزدیک به صورت یا بدن سگ آن را اسپری کنید نیز ممکن است کافی باشد چون بینی سگ بسیار حساس است. در این حالت کار را چندین بار تکرار کنید تا زمانی که سگ متوقف شود. سگ ترس شما را می‌فهمد اما متوجه عزم شما برای دفاع نیز می‌شود مگر اینکه خیلی تهاجمی باشد (هار باشد، سابقه سوءاستفاده داشته باشد و غیره).

۱۰ اگر سگ به نظر مریض می‌رسید یا ظرف ده روز پس از حادثه مرد باید فوراً مورد آزمایش هاری قرار بگیرد یا برای اطمینان واکسن هاری بزنید.

۱۰ هر سگی متفاوت است و سگ‌ها گاهی اوقات رفتارهای غیرقابل‌پیش‌بینی از خود نشان می‌دهند. این توصیه‌ها به شما کمک می‌کند در بیشتر شرایط از خطر فرار کنید، اما باید آمادگی حمله پیش رو را نیز داشته باشید بنابراین هوشیار باشید.

## داستانک ۱:



نازنین دختر بسیار شاد، شیطون و بازیگوشی بود. او به حیوانات علاقه زیادی داشت و همیشه دوست داشت حیوانی داشته باشد تا در خانه از آن نگهداری کند ولی پدرش برایش حیوانی نمی خرید. روزی نازنین به همراه پدر و مادر و برادرش برای گردش به جنگل رفتند. در حال قدم زدن بودند که نازنین، همستری را دید که کنار درختی نشسته است. نازنین فکر کرد که ممکن است این همستر برای کسی بوده که آن را در جنگل رها کرده است، به همین دلیل از پدر خود خواهش کرد که آن را با خود به خانه ببرند. بعد از کلی اصرار پدر راضی شد.

هنگامی که نازنین میخواست آن را بردارد، همستر دست او را گاز گرفت ولی نازنین از ترس اینکه این موضوع را به پدرش بگوید و آن وقت او دوباره با آوردن همستر به خانه مخالفت کند چیزی به پدرش نگفت. چند روز بعد همستر مرد و پدر نازنین آن را در باغچه منزل خود دفن کرد. پس از یک هفته نازنین دچار تب و دردهای عضلانی شد و اشتهايش را به غذا از دست داد، دکتر تصور کرد که او دچار سرماخوردگی شده است ولی روز به روز حال او بدتر شد. او را در بیمارستان بستری کردند. نازنین در بیمارستان بی هوش و به کما رفت و چند روز بعد جان خود را از دست داد. آزمایشات پس از مرگ نشان داد که نازنین به هاری مبتلا شده است و اینجا بود که پدر نازنین متوجه شد همستری که با خود به خانه آورده بودند هار بوده ولی دانستن این موضوع دیگر کمکی به نازنین نمی کرد زیرا زمانی این موضوع را فهمیدند که دیر شده بود.

## داستانک ۲:

تعطیلات تابستانه تازه تمام شده بود، در این یک ماه ورود به مدرسه منتظر همچین روزی بودم، تمام تعطیلات را فوتبال تمرین کردم، امروز همان روزی است که باید خودم را نشان می دادم تا هم معلم ورزشمان و هم بچه ها

حساب کار دستشان بیاید. ما در یک منطقه‌ی سرسبز جنگلی زندگی می‌کنیم، مدرسه من هم در محیطی زیبا و بکر با زمین چمن عالی واقع است. با سوت معلم ورزش مسابقه شروع شد، همه چی داشت خوب پیش می‌رفت که ناگهان علی یک پاس عالی داد و من با تمرکز تمام به سوی توپ دویدم و توپ را که حالا به گوشه بوته ای در کنار زمین رسیده بود، محکم شوت کردم ولی شوت کردن همانا و بالارفتن فریاد من همان. موش خرمایی که انگار برای تماشای بازی ما آمده بود محکم پایم را گاز گرفت. زخم به قدری عمیق بود که ادامه بازی برایم ممکن نبود.



از شانس بد، زخمم خیلی عمیق و دردناک بود به طوری که قادر به ادامه بازی نبودم، ناچار مرا به درمانگاه رساندند، اما من بیخیال زخم تنها چیزی که برایم مهم بود برگشتن به بازی بود. زخمم را به خوبی شستند و ضدعفونی کردند. دکتر از اینکه سریع به درمانگاه رفته بودم اظهار رضایت کرد و گفت در صورتی که موش خرما ناقل ویروس هاری می‌بود، علائم چند روز بعد که فرصت پیشگیری وجود ندارد،

ظاهر می‌شد، سپس واکسن و سرم هاری را به من تزریق کردند. آن روز گرچه در فوتبال بد شانسی آوردم اما از احتمال ابتلا به یک بیماری کشنده نجات پیدا کرده بودم و این شانس بهتری بود.



در یک روستا چوپان جوانی به نام هاشم بود که تمام اهالی روستا به او اعتماد داشتند و او هر صبح گوسفندان اهالی را برای چریدن به دشتزارهای اطراف روستا میبرد، هاشم سگی داشت که همیشه مراقب گله گوسفندان بود. یک روز که هاشم گوسفندان را به صحرا برد و در زیر سایه درختی در حال استراحت بود، ناگهان سگ گله صدای چند گرگ را شنید و با پارس کردنش هاشم بیدار شد و یکی از گرگها حمله کرد و سگ هاشم را گزید.



پس از چند روز از گازگرفتنی سگ گله خیلی آرام و منزوی شده بود. هاشم او را به درمانگاه برد در آنجا به او گفتند احتمالاً مبتلا به یک نوع بیماری به نام هاری در پی حمله‌ی گرگ شده باشد. پس سگ را به مدت ده روز در مرکز دامپزشکی شهرستان، قرنطینه کردند. هاشم نیز واکسینه شد و از وی خواسته شد فعلاً گوسفندان را در طویله نکه دارد و به چرا نبرد. پس از ده روز، سگ مرد و از مغز سگ جهت تاییدات آزمایشگاهی، نمونه تهیه شده و به انستیتوپاستور ارسال شد که جواب مثبت بود. بقیه گوسفندان علائمی مبنی بر هاری نشان ندادند.

خوشبختانه چون هاشم خیلی زود به درمانگاه مراجعه کرده بود، توانست خود و گله را نجات بدهد. از همه مهم‌تر فهمید که هاری یک بیماری خطرناک هست که اگر زود درمان یا پیشگیری نشود باعث مرگ و میر گوسفندان و خودش می‌شد و خیلی از اینکه گوسفندان سالم بودند خوشحال بود.

آقا مجید جوشکار ماهری بود که به همراه خانواده اش در کرمان زندگی می کرد. به خاطر شغلش گاهی مجبور بود به مسافرت های خارج از شهر برود. یک روز برای انجام کار جوشکاری یک ساختمان عازم یکی از روستاهای اطراف کرمان شد. روستای خلوت و ساکتی به نظر می رسید. بلافاصله پس از رسیدن مشغول انجام کار شد تا عصر کار خود را تمام کند. تا هنگام ظهر بیشتر کارش را انجام داده بود و برای رفع خستگی و گرسنگی دستش را شست و نهارش را روی اجاقی که با تکه های چوب ساخته بود گذاشت تا گرم شود. ظهر بود و اهالی روستا برای صرف نهار به خانه های خود رفته بودند. بوی غذای گرم در فضا پیچیده بود. وقتی غذا گرم شد نشست تا غذایش را بخورد که یکدفعه متوجه نزدیک شدن شغالی با دهان نیمه باز شد. آب از پوزه ی شغال جاری شده بود. آقا مجید از ترس بلند شد و به سمت چوبی که نزدیک اجاق بود خیز برداشت تا شغال را فراری بدهد، اما شغال روی بدنش پرید و پایش را گاز گرفت. آقا مجید با چوب محکم بر سر شغال زد و شغال زوزه ای کشید و فرار کرد. زخم پایش خیلی عمیق نبود، به همین خاطر روی زخم را با پارچه ای بست و پس از خوردن نهار به کار خود ادامه داد.



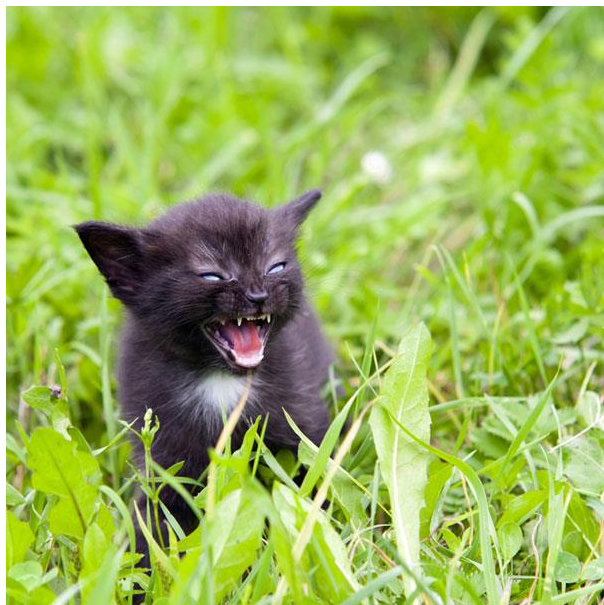
چند روز گذشت. علائم سرماخوردگی مثل درد بدن، خستگی و سردرد در بدنش نمایان شد. به خیال اینکه سرماخورده در خانه ماند تا حالش خوب شود، ولی رفتارهای عجیبی از او سر می زد؛ مثلاً گاهی هزیان می گفت و افسرده به نظر می رسید. از آب می ترسید و گاهی هم عصبی می شد و هوار می کشید. خانواده اش با دیدن

این رفتارها او را به بیمارستان بردند. پزشک با دیدن و معاینه ی او دستور انجام سریع آزمایشاتی را داد که معلوم شد او به بیماری هاری مبتلا شده است. شغالی که او را گاز گرفته بود، هار بود و او را مبتلا کرده بود. آقا مجید به علت مراجعه ی دیر هنگام به پزشک نتوانست نجات پیدا کند و فوت شد. اعضای خانواده و همه ی کسانی که با او تماس داشتند واکسن زدند و به بیماری مبتلا نشدند.

کار درستی که آقا مجید باید انجام می داد تا مانع بروز چنین اتفاق غم انگیزی برای خود و خانواده اش می شد، این بود که درست بعد گزش زخم را سریع با آب و صابون می شست و فوراً به نزدیک ترین بیمارستان محل می رفت تا آدرس مرکز کنترل و درمان هاری شهر را در اختیار او قرار دهند. با مراجعه به مرکز کنترل و درمان هاری پرسنل زخم را بررسی در صورت نیاز پوست و خراش ها برداشته می شود. همچنین شستشوی درست و کافی زخم انجام

می گرفت و با توجه به نیاز سرم ضد هاری به زخم تزریق می گردید. سپس واکسیناسیون روز مواجه انجام و کارت واکسیناسیون به او می دادند و ایشان باید واکسیناسیون را به موقع انجام می داد تا مانع این اتفاق می شد.

## داستانک ۵:



آناهیتا دختر ده ساله مهربون و بازیگوشی بود که همراه پدر و مادرش در شهری بزرگ زندگی می کرد. روزی پدر آنا آمد و گفت در کشوری بد آب و هوا به مدت یک ماه ماموریت کاری دارم و حتما باید بروم ولی آنا آنجا برای تو مناسب نیست اگر دوست داری تو را پیش پدر بزرگ در ده می برم تا در این مدت پیش او بمانی او هم از تنهایی در می آید. آنا با خوشحالی قبول کرد. ده آب و هوای خوبی داشت فضای باز برای بازی بچه ها و البته انواع و اقسام حیوانات. پس همگی عازم ده شدند. وقتی رسیدند آنا از خوشحالی به بغل پدر بزرگ پرید و

پدر بزرگ با دیدن آنا سر از پا نمی شناخت. پدر و مادر آنا بعد از خوردن چای و کلوچه های داغ و خوشمزه چمدان آنا را از ماشین به او دادند، خدا حافظی کردند و رفتند. پدر بزرگ آنا را به اتاق کوچکی که برای مهمان آماده داشت برد. اتاقی کوچک که در کنار پنجره تختی نرم و راحت داشت یک گلدان روی میز در کنار تخت و کمدهای چوبی رو به روی تخت. پدر بزرگ گفت: آنا جان این تخت را من ساختم خیلی وقت صرفش کردم تا چیز محکم و قابل استفاده باشد. آنا که چشمان قهوه ای کوچکش گرد شده بود گفت: وای پدر بزرگ شما هنرمندین. پدر بزرگ لبخندی زد و ادامه داد این فرش زیبا را که می بینی کار دست دختر دوستم است متاسفانه ماه پیش در اثر بیماری هاری کشته شد، اسمش سارا بود. چهره پدر بزرگ درهم رفت و گفت: اگر دختر بیچاره گفته بود که چند روز پیش گربه ای او را چنگ زده می شد نجاتش داد. آنا جان آن گربه حالت طبیعی نداشته، گوشه ای کز کرده بوده و از دهانش کف می آمده و به جای تاریکی رفته بوده وقتی سارا با چراغ قوه به آنجا می رود، ناگهان گربه بهش حمله می کند. آن روز پدر بزرگ کبابی خوشمزه برای شام درست کرد، آنا با اشتهای زیاد شام را خورد و بعد از شام به اتاقش رفت تا بخوابد، قبل از خواب مدام یاد سارا می افتاد که چهره اش چه شکلی بوده وقتی و مریض شده چه قدر درد کشیده و هزاران سوال دیگر. صبح آنا وقتی بیدار می شود آفتاب تا وسط اتاقش تابیده بود، یک لحظه فکر می کند شاید

وقت نهار باشد وقتی از اتاق بیرون می آید میز کوچک گوشه آشپزخانه را پر از خوراکی های خوشمزه از جمله چای، مربا، خامه و نان داغ و محلی می بیند به نگاه به ساعت روی دیوار سمت چپ میز می اندازد و خیالش راحت می شود که هنوز تا ظهر زمان زیادی مانده. بعد از خوردن صبحانه از خانه بیرون می آید و متوجه می شود که کمی دور تر پدر بزرگ در حال دوشیدن گاوها است، با خوشحالی سمت پدر بزرگ می دود و بعد از سلام دادن از پدر بزرگ اجازه می گیرد تا اطراف خانه کمی بگردد. پدر بزرگ به آنا گوشزد می کند که مواظب باش و نزدیک حیوانات نشو به خصوص حیواناتی که حالت عادی ندارند چون شاید آنها بیماری هاری داشته باشند و هاری بسیار کشنده و خطرناک است. آنا از پدر بزرگ پرسید: پدر بزرگ شما که اینجا زندگی می کنید که شاید حیوان هاری شما را مبتلا کند؟ پدر بزرگ با لبخندی پاسخ می دهد: دخترم از وقتی سارا مبتلا شد ما کنجکاو شدیم و در این مورد از پزشک ده سوال کردیم که چگونه می توانیم از ابتلا به هاری جلوگیری کنیم، چون هنوز گربه ای که سارا را چنگ زده بود، پیدا نشده. آنها گفتند واکسن مخصوص دارد و البته چند دوره است، من دو دوره از آن را زده ام و یکی دیگر را ماه بعد بزخم از هاری ایمن می شوم البته یک یادآور هم سال دیگر دارد. آنا به سمت محوطه می دود چند ساعتی از بازی های کودکانه اش می گذشت که با چیز عجیبی رو به رو می شود، دم روباه، با خود می گوید شاید روباه مریض باشد، همین که یک قدم عقب رفت احساس کرد پایش را روی چیز نرمی گذاشته، همین موقع صدای روباه و پس از آن جیغ آنا تمام دشت را فرا می گیرد آنا به خودش می آید و می بیند در حال دویدن به سمت خانه پدر بزرگ است، در حالی که دستش خونی است. همین طور که می دوید پدر بزرگش را دید که به سمتش می دود، پدر بزرگ تا به آنا رسید آنا را بغل کرد، نزدیک خانه شلنگ و صابون بود شدت آب را زیاد کرد و گفت آنا مقداری تحمل کن اگر حیوان مبتلا به هاری باشد حتما باید این مراحل طی شود. پس از شستن بدون اینکه زخم را ببند بتادین زد و گفت آنا جان تا رسیدن به درمانگاه باید زخم باز باشد چون ویروس هاری به نور و هوا حساس است و در ابتدای کار نور و هوا می توانند از پیشرفت آن جلوگیری کنند تا رسیدن به درمانگاه پدر بزرگ با آنا حرف می زد تا کمتر بترسد و درد را حس نکند. پدر بزرگ گفت آنا با شلنگ با شدت آب زیاد شستشو دادم تا صابون لا به لای زخم نماند که اگر بماند می تواند اثر ضد عفونی کننده یعنی بتادین را از بین ببرد وقتی رسیدند درمانگاه در آنجا سرم ضد هاری تزریق کردند، سرم و واکسن ضد کزاز تزریق کردند و دکتر به آنا آنتی بیوتیک داد و تجویز کرد. این واکسن ضد هاری را باید در سه نوبت بزنی. بعد از گذشت یک ماه آنا خوشبختانه سر حال منتظر بود تا پدر و مادرش از سفر بیایند. آنا از دور ماشین پدرش را دید با خوشحالی به سمت آنها دوید و برایشان دست تکان داد. پدر و مادر از ماشین پیاده شدند و کودک خود را در آغوش فشردند و با پدر بزرگ به خانه رفتند. آنا همین که از ماجراها و این مدت تعریف می کرد،

سوغاتی خود و پدر بزرگ را باز کرد. آنها در راه بازگشت به خانه به خوبی ها و ضعف های دهی که پدر بزرگ زندگی می کرد فکر می کرد که آیا در آینده می تواند کمکی هر چند کوچک برای آن ده بکند.

## داستانک ۶:



مردی ثروتمند اما تنها در شهری بزرگ زندگی می کرد. مرد اخلاق خوبی نداشت، از همسر خود جدا شده بود و هیچ فرزندی هم نداشت او حاضر نبود زندگی خود را با کسی شریک شود، خودرایی و غرور خاصی داشت و برای سنت ها و اعتقاداتی که با آنها بزرگ شده بود ارزشی قائل نبود به همین خاطر هیچگاه عاشق نشد و هیچگاه تن به ازدواج مجدد نداد. او سعی کرد تنهایی خو را با سگی پر کند. کم کم آن چنان به سگ خود انس گرفته بود که او را از همه آدم ها برتر و بهتر می دانست. سگ بیچاره زبان نداشت تا با او به مخالفت پردازد و از او انتقاد کند. هر کاری او می کرد ناچار می پذیرفت تا جایی که دیگر مرد برای او خرج های زیادی می کرد، غذاها و لباس های سگ گران قیمت می خرید و به او محبت می کرد، البته در حدی که یک

سگ توقع دارد! هر روز مرد از خواب بیدار می شد صبحانه ای می خورد و روز نامه ای می خواند، نهاری درست می کرد، نهاری که نه بو داشت نه مزه. تا ظهر خواب بود و تقریباً عصر نهار می خورد و تنها کار مثبتی که داشت کمی محبت کردن و نوازش کردن سگ بود. مرد بیچاره تمام روز های طلایی عمر خود را در خانه خویش می گذراند، بدون اینکه سعی در رفع مشکلات اخلاقی و شخصیتی خود کند. از زمین و زمان ایراد می گرفت. کم کم زندگی را بدون سگش پوچ و بی معنی می دید. تا اینکه روزی صبح تلفن زنگ زد، مرد که تا پاسی از شب مشغول دیدن فیلم هایی بود پوچ و بی مفهوم، به سختی از خواب بیدار شد و با خواب آلودگی تلفن را جواب داد، از شهری که خواهرش زندگی می کرد تماس گرفته بودند. خواهرش چند روزی بود که در آپارتمان خود مرده بود و چون هیچ دوست و آشنایی نداشت، کسی متوجه او نشده بود و همسایه ها از بوی متعفن که از خانه اش می آمد کنجکاو شده و وارد اتاقش شده بودند. مرد که دستپاچه شده بود به این فکر کرد که سگ خود را به یکی از همکارانش که باغی بزرگ دارد بسپرد و خود تنهایی به آن شهر سفر کرده و به داد جنازه مرحومه خواهرش برسد. این کار را می



کند و برای ده روز از سگ خود جدا می شود. بعد از با روحیه ای خسته و افسرده تر از قبل به علت از دست دادن فرصت هاش و البته با کوله باری از تصمیم های جدید به باغ همکاریش بر میگردد، وقتی با سگ خود مواجه می شود احساس می کند سگ همیشه نیست. تا رسیدن به خانه خودشان سگ بیش از اندازه خود را به مرد می چسباند و انگار از مرد کمک می خواست مرد با خود گفت شاید برای من دلتنگ شده باشد. آنها به خانه رسیدند مرد شروع کرد به بازی کردن با سگ را ندارم. همین طور چند روز دیگری هم گذشت و مرد همچنان به پرداختن روح و روان خود بود تا اینکه از سگ صدای خشنی شنید وقتی پیش سگ رفت ولی کسی را در اطراف ندید که سگ بخواهد همچین رفتاری داشته باشد نگاهش را دقیق تر کرد، دید از دهان سگ کف می آید که یکدفعه سگ شروع به حمله کردن به اشیا کرد و گاز گرفتن اشیا سفت، وقتی مرد نزدیک سگ شد تا جلویش را بگیرد سگ حمله ای به مرد کرد و پای مرد را گازی عمیق گرفت، مرد از شدت درد به خود پیچید و چون تنها بود کشان کشان خود را از سگ دور کرد در را بست، پای خود را شست و بست و چون غروب بود با خود گفت سگ من سگ ولگردی نبوده پس کزاز نمی گیرم و برای اطمینان فردا به پزشک مراجعه می کنم. فردا وقتی از خواب بیدار شد، درگیر سگ مریض و وحشی شد و از رفتن به پزشک امتناع کرد. سگ را در اتاقی زندانی کرد و بعد از چند روز دید که سگ مرده. یک ماه از گاز گرفتن سگ می گذشت که مرد احساس خستگی بیش از حد افسردگی، بی اشتها، بی خوابی، درد در شکم، درد و سوزش در محل گزش می گردد. گاهی به تف اندازی هم دچار بود. یک هفته این علائم را داشت و گوشه ای از خانه خوابیده بود و هیچ کاری نمی کرد طبق عادت کسی هم بهش سر نمی زد چون اصلا کسی را نداشت. پس از این یک هفته به کوچکترین صدایی واکنش شدید نشان می داد. تحمل نور حتی اندک را نداشت، دچار انقباضات عضلانی شده بود، خود را به در و دیوار می کوبید و اطراف دهانش را کف پوشانده بود، قادر به خوردن و آشامیدن نبود و مثل سگ خود شدیدا به آب حساس بود. لب هایش برگشته بود، نگاهش ثابت بود و از چشمانش اشک می آمد قدرت حرف زدن هم نداشت. استفراغ شدید می کرد و پس از مدتی نفس کشیدن برایش مشکل شد و سر انجام در گذشت. بعد از چند روز همسایه ها وارد خانه اش شدند و پلیس را خبر کردند و جنازه را بردند. پزشک قانونی علت مرگ مرد را ابتلا به بیماری هاری عنوان کرد.

---

## داستانک ۷:

محمود آقا در یک ده سرسبز به همراه خانواده و اقوامش زندگی می کرد. زندگی اش از راه کشاورزی و دامداری می گذشت. مزرعه ای کوچک و یک گله ی گوسفند داشت. گاهی گوسفندانش را برای چرا به دشت و صحرا می برد.

یک روز پس از انجام کارهای مزرعه گله‌اش را برداشت و راهی صحرا شد. وقتی به چراگاه رسیدند، کنار درختی نشست تا نفسی تازه کند. گوسفندان مشغول چرا بودند. باد خنکی می‌وزید. دراز کشید تا خستگی‌اش در برود.

ناگهان با وزش باد و احساس سرما از خواب بیدار شد. هوا تاریک شده بود و باید زودتر گله را جمع می‌کرد و به ده برمی‌گشت. گله را جمع کرد و با عجله به راه افتاد تا قبل از تاریکی کامل به ده برسد. نزدیک ده بود که صدای زوزه‌ی گرگی را شنید که نزدیکتر و نزدیکتر می‌شد. صدای پارس سگ گله بلند شد. گرگ پای یکی از گوسفندان را گاز گرفت. محمود آقا گوسفند را نجات داد و به سرعت گله را به ده رساند.

یک هفته بعد همان گوسفند زخمی را سربریدند و محمود آقا سر گوسفند را برای تهیه کله‌پاچه آماده کرد. چند روز بعد محمود آقا احساس سرماخوردگی در بدنش می‌کرد که همراه با تهوع و کاهش اشتها بود. همچنین زخمی که روی دستش قبل از سربریدن گوسفند در مزرعه ایجاد شده بود می‌سوخت. فکر کرد چند روزی در خانه بماند و استراحت کند تا حالش بهتر شود. کم‌کم از نور و سر و صدا هم می‌گریخت و توی خودش بود و مثل آدمهای افسرده گریه می‌کرد. خانواده‌اش او را پیش پزشک بردند. دکتر پس از معاینه سریع دستور بستری و انجام آزمایشات بیشتر او را در بیمارستان شهر داد. پس از انجام آزمایشات معلوم شد محمود آقا به بیماری هاری مبتلا شده است. گرگی که گوسفند را گاز گرفته بود، هار بود و گوسفند هم مبتلا به هاری شده بود. عفونت از راه زخمی که در دستش بود زمان پاک کردن سر گوسفند بیمار وارد بدن او شده بود و او را مبتلا کرده بود. متأسفانه محمود آقا دیر به پزشک



مراجعه کرد و ۳ روز بعد فوت کرد، اما همه‌ی گوسفندان و اعضای خانواده‌ی او معاینه شدند. واکسن زدند و از مرگ نجات پیدا کردند.